

راهبردهای روایت تمدن ساز هویت ملی در فضای مجازی با هدف تحقق تمدن نوین اسلامی

محمد جواد فرج نژاد^۱

حسن محمدی^۲

چکیده

یکی از مهم ترین پایه های تمدن سازی، «هویت ملی - تاریخی» جامعه است. فرضیه تحقیق آن است که اکنون ساخت، ترمیم و تقویت این موضوع در رسانه ها و فضای مجازی رقم می خورد. حکمرانی مجازی با تصرف و کنترل «آگاهی» افراد، توانایی تضعیف، تقویت، تخریب و تغییر «هویت ملی» جامعه را دارد و سازنده «هست ها و نیست ها» و «بایدها و نبایدهای» هویتی است. پژوهش پیش رو ضمن تبیین شاخص های تمدن نوین اسلامی (با تاکید بر آراء رهبر انقلاب) به بازکاوی وضعیت فعلی «روایت هویت ملی» در فضای مجازی می پردازد و در نهایت راهبردهای زیر را به عنوان دستاوردهای پژوهش، برای «روایت تمدن ساز هویت ملی» بیان می کند. این راهبردها عبارتند از: «تقویت بینش تمدنی»،

^۱ . دکتری مدرسی معارف اسلامی از دانشگاه معارف اسلامی قم و پژوهشگر موسسه شناخت پژوهان رسانه. (نویسنده

مسئول؛ jasemani@chmail.ir

^۲ . دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم و پژوهشگر موسسه شناخت پژوهان رسانه؛

jasemani@mihanmail.ir

«روایت فرصت محور عمق تاریخی»، «تبیین نقش تاریخی دین»، «الگوسازی مفاخر و اسطوره‌ها»، «مقابله با خودتحقیری»، «نقد انگاره‌های باستان‌گرایانه». ماهیت پژوهش، توسعه‌ای و راهبردی و روش آن، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن از طریق مطالعه فضای مجازی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، هویت ملی، روایت تمدنی، فضای مجازی، باستان‌گرایی.

مقدمه

ایجاد تمدن نوین اسلامی، آرمان و هدف نظام اسلامی ایران است. پایه تمدن نوین اسلامی بر همراهی و هماهنگی علم و اخلاق، عقلانیت و ایمان دینی و همراهی رفاه مادی و اعتدالی معنوی انسان قرار دارد. این مهم در بیانات رهبر انقلاب و نیز در بیانیه «گام دوم» به مناسبت چهلمین سالگشت پیروزی انقلاب اسلامی، مورد تأکید ایشان قرار دارد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «شما باید که باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافداه) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند» (خامنه‌ای: ۱۳۹۷، ۵).

فراز فوق بر راهبرد «شناخت گذشته»، «تجربه‌اندوزی از آن برای آینده» و «سوء استفاده دشمن» در سایه غفلت از این راهبرد تأکید دارد. اهمیت داده‌های تاریخی از آن جهت است که تاریخ، الهام‌بخش انسان‌ها در یافتن راه از بیراه و نشان دهنده موقعیت و جایگاه یک جامعه در پهنای زمان است. درحقیقت تاریخ، پایه ساخت هویت ملی جامعه است. جامعه بدون تاریخ، پیکره‌ای بدون هویت ملی و سردرگم خواهد بود و نیازمند جبران این نیاز هویتی از دیگران خواهد شد. می‌توان گفت اولین گام در نیل به تمدن، یافتن «خود اجتماعی» و «روح جمعی» و در عبارتی کامل‌تر، یافتن «هویت ملی» (زیویار: ۱۳۸۶، ۱۸۶) در نگاهی کلان و تاریخی است. بدیهی است که جامعه دارای هویت ملی و تاریخی بسیار

آسان تر و سریع تر می تواند نصاب های تمدنی خود را تکمیل نماید و الگوی تمدنی دیگران قرار گیرد. (مفتخری: ۱۳۹۷، ۴۹۶-۴۹۸) اساسا جامعه بدون هویت، ظرفیت و توان تمدنی شدن را ندارد.

آنچه در جامعه ایرانی حائز اهمیت است، چگونگی بازخوانی یا ترمیم هویت ملی از طریق تبیین و بازخوانی تاریخ ایران پیش از اسلام و ایران بعد از اسلام است. زیرا جامعه ایرانی بدون تاریخ و تمدن نیست بلکه مشکل امروز آن، خودفراموشی تاریخی است. علت این امر را می توان در رویکرد و عملکردهای افراطی باستان گرایانه دوره پهلوی جستجو نمود. در این دوران بر عناصر خاصی از ایران باستان تاکید گشته و حافظه تاریخی ایرانیان را مشوش نمود. (فاضلی: ۱۳۹۳، ۹۵-۹۹) حال آنکه تاریخ هویتی ایرانیان نه فقط در ایران باستان و نه فقط در روایت خاصی از ایران باستان با محوریت پادشاهی است بلکه هویت ملی ایرانیان ممزوج از فرهنگ ایران باستان و ایران پس از اسلام شده است. متأسفانه در شرایط فعلی نیز در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، همین خطوط غلط دنبال می شود؛ نتیجه روایت مغشوش و تحریف آمیز از تاریخ واقعی ایران و جهان، ایجاد هویتی نادرست، ناقص و غیرواقعی برای جامعه است. نگاهی هرچند کوتاه به کانال ها و صفحات تاریخی فعال در پیامرسان ها و شبکه های اجتماعی، این مهم را تأیید می کند. بنابراین چگونگی روایت و بازخوانی هویت ملی و بازنمایی آن در اذهان عمومی جامعه و به طور خاص در فضای مجازی، مهم و قابل توجه است. سیری در تاریخ رسانه نشان می دهد که رسانه ها و فضای مجازی به عنوان بخشی از رسانه، این قابلیت را دارند که در هرگونه حرکت و تحول اجتماعی، از جمله پیشران ها و پیشبرنده ها باشند. (فرج نژاد و همکاران: ۱۳۹۶،

۴۳) هشدارهای رهبر معظم انقلاب درباره جعل تاریخ در جهت تحت الشعاع قرار دادن تمدن نوین اسلامی، در همین راستا است.

پژوهش پیش رو در راستای دغدغه فوق و با انگیزه بیان «راهبردهای روایت تمدنی ساخت هویت ملی در فضای مجازی» با نگاهی راهبردی و در جهت زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی به رشته تحریر درآمده است. مسأله اصلی آن نیز بیان راهبردهای چگونگی «روایت هویت ملی» با نگاه تمدن‌ساز می‌باشد. به نظر می‌رسد برای ایجاد تمدن نوین اسلامی انجام چنین پژوهش‌های راهبردی ضروری است. امید است تا نخبگان و نویسندگان جبهه انقلاب با عطف توجه به اهمیت مسأله، بخشی از پژوهش‌های خود را به تحقیقات انضمامی در حوزه رسانه و تمدن اختصاص دهند.

در این پژوهش ضمن مروری بر مفاهیم تمدن و نظامات تمدنی، تمدن اسلامی و چشم‌انداز تحقق آن تبیین می‌گردد. طی بحث از تمدن اسلامی و لایه‌های آن، جایگاه رسانه در این تمدن مشخص می‌شود و نویسنده تلاش دارد تا ضمن ارائه گزارشی اجمالی از وضع موجود، راهبردهای پیشنهادی خود برای رسیدن به وضع مطلوب را در قالب شش راهبرد ارائه کند. راهبردهای ارائه شده را می‌توان شاخص‌های رسانه تراز در روایت تمدنی از هویت ملی تلقی کرد؛ زیرا سعی شده است راهبردهای مذکور، برآمده از سیاست‌های کلی نظام و از اندیشه رهبر معظم انقلاب باشد. در ذیل هر راهبرد نیز راهکارهای اجرایی و عملیاتی آن مورد توجه است. مخاطب اصلی این پژوهش، مدیران و فعالین فضای مجازی هستند. همچنین این پژوهش می‌تواند برای گروه‌ها و افراد فعال در زمینه تمدن‌پژوهی مفید واقع شود و خطوط کلی پژوهش‌های مرتبط با تمدن نوین اسلامی را طرح‌ریزی کند. راهکارهای بیان شده نیز نیازمند تحقیقات جداگانه و تفصیلی هستند.

در ادامه ضمن تعریف و بیان چیستی تمدن و عناصر آن به مفهوم تمدن اسلامی و چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. سپس جایگاه رسانه و فضای مجازی در ساخت پایه‌ها و زمینه‌های تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد و درنهایت راهبردها و الزامات روایت تمدن‌ساز هویت ملی در فضای مجازی بیان می‌گردد.

چیستی تمدن

واژه تمدن در لغت به معنای زندگی اجتماعی، شهرنشین شدن، با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، خوی شهری گزیدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب پیشرفت و آسایش است (عمید: ۱۳۷۵، ۶۱۵). لغت‌نامه دهخدا نیز تمدن را تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت می‌داند (دهخدا: ۱۳۷۷، ۶۰۱۹). واژه‌های المَدَنِيَّة، الحَضْر، الحضارة (طیبیان: ۱۳۹۲، ۲۷۳) و Civilization در زبان عربی و لاتین برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند. یونانیان باستان با این واژه نشان می‌دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکل برتری از زندگی است؛ اما نباید تمدن را به آن شکل از زندگی که در مقابل چادر نشینی و بیابان‌گردی است، معنا نمود (بهمن: ۱۳۹۳، ۲۱)؛ بلکه مراد از مدنیت و شهرنشینی وجود قوانین مکتوب و سنت‌های نوشته شده و مدیریت شهری است. از این رو تمدن به نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی اطلاق می‌گردد که در جامعه خاصی رخ می‌نماید.

بنابراین تمدن مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال است که ابعاد مختلف دینی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی، علمی را در برمی‌گیرد. به بیان دیگر رابطه بین شهرنشینی و تمدن رابطه جزء و کل است؛ نه ظرف و مظهر. بدین معنا که شهر جزء و

تمدن کل؛ شهر معلول و تمدن علت است. این معنا از شهرنشینی نقطه جامع تعاریف مختلفی است که ویل دورانت بر نظام اجتماعی و سیاسی آن (دورانت: ۱۳۳۷، ۳)، یوکیچی بر رفاه و همچنین پالایش معرفت و پرورش فضیلت در آن (فوکوتسا: ۱۳۷۹، ۱۱۹) و علامه جعفری بر تشکل‌های هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول تاکید دارد (جعفری: ۱۳۷۶، ۱۶۱). وجود تعاریف متفاوت به جهت پیچیده بودن مفهوم تمدن و زاویه نگاه‌های متفاوت اندیشمندان است. چه اینکه برخی از اندیشمندان به ماهیت و چیستی تمدن نظر داشته‌اند، برخی اجزاء و مؤلفه‌های تمدن را و برخی دیگر آثار و نتایج آن را در نظر گرفته‌اند. از این رو، یافتن تعریف جامع و مانع دشوار است. به هر روی تعاریف یاد شده نشان می‌دهند که دایره شمول تمدن، تنها جنبه‌های مادی نیست بلکه ابعاد معنوی، فلسفه، علم، نظام ارزشی، هنر و ارتباطات جمعی نیز بخش مهمی از تمدن به شمار می‌آیند (دورانت: ۱۳۳۷، ۴۶).

ارتباط میان تمدن و فرهنگ و بازشناسی این دو از یکدیگر از موضوعاتی است که غالباً در تمدن‌شناسی به آن پرداخته می‌شود. برخی از اندیشمندان آن دو را متباین و برخی دیگر آن دو را همسان می‌دانند؛ پاره‌ای؛ هم فرهنگ را عام‌تر و تمدن را نمود فرهنگ می‌دانند و عده‌ای؛ تمدن را عام‌تر از فرهنگ می‌دانند (ر.ک: کاشفی: ۱۳۸۹، ۴۶-۴۹). می‌توان اذعان نمود تمدن و فرهنگ، دو مفهوم متمایز از یکدیگرند و هر یک ویژگی‌های خاصی دارند که دیگری فاقد آن است زیرا از طرفی برای تأسیس تمدن افزون بر فرهنگ به مؤلفه‌های دیگری نیز نیاز است؛ به همین جهت تمدن با فرهنگ متمایز می‌گردد. از سوی دیگر برای تحقق فرهنگ نیاز به تأسیس تمدن نیست. بنابراین فرهنگ به لحاظ مصداقی گستره بیشتری از تمدن را در بر می‌گیرد. تمدن به لحاظ ابعاد و اجزاء گستره بیشتری دارد به گونه‌ای که آنچه مصداق فرهنگ است بخشی از تمدن به شمار می‌آید. با توجه به آنچه

گذشت بهتر است گفته شود فرهنگ، روح تمدن است که به صورت مظاهر بیرونی نمود پیدا کرده و مجموع بود و نمودها به صورت یک کل تمدنی تجلی می‌یابد.

عناصر تمدن

اندیشمندان عرصه تمدن‌پژوهی برای تمدن‌عنصری را ذکر کرده‌اند. از جمله ویل دورانت در تاریخ تمدن به چهار عنصر پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر اشاره می‌کند. (دورانت: ۱۳۸۵، ۳) با بررسی دیدگاه‌های متفاوت و تأمل بر مفهوم تمدن می‌توان عناصر اساسی آن را چنین برشمرد:

نظام سیاسی و اقتصادی

هر تمدنی نیازمند ساختار نظام‌مند سیاسی و اقتصادی است و بدون چنین نظامی، هرج و مرج و ناامنی در ابعاد مختلف آن پایان نمی‌پذیرد. تنها همگام با از بین رفتن ترس است که ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی جهت می‌یابد (دورانت: ۱۳۸۵، ۳).

نظام دینی، معنوی و ارزشی

نظام ارزشی معمولاً شامل ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، آداب و قوانین حقوقی و فقهی است. پیوند انسان‌ها و زندگی آنها در کنار یکدیگر بدون وجود نظام ارزشی میسر نیست. نظام دینی دست‌کم مجموعه‌ای از باورها را شامل می‌شود و در شمول دین نسبت به بخشی از نظام اخلاقی و تشریحی (بایدها و نبایدها و احکام دینی) و عرفانی، ادیان مختلف حیطة گوناگونی دارند (نصر: ۱۳۸۹، ۲۲۰-۲۳۰). نظام معنوی که ناظر به گرایش‌ها،

بینش‌ها و کنش‌های روحی و باطنی در یک تمدن است در جهت پاسخ‌گویی به نیاز روحی و روانی و نیاز فطری انسان به معنویت می‌باشد. نظام معنوی در قالب‌های گوناگونی چون فعالیت‌های دینی، هنری، ادبی، حرکت‌های عرفانی و صوفی‌گرایانه، حرکت‌های زاهدانه و راهبانه و حتی حرکت‌های سیاسی و اجتماعی ظاهر می‌شود. در تاریخ شرق و غرب می‌توان به نمونه‌های متعدد جریان‌های معنویت خواه اشاره کرد. آنچه در قالب ادبیات و هنر در بازگشت به ادبیات روم باستان در رنسانس رخ داد یا جریان‌هایی نظیر رهبانیت غرب مسیحی، جنبش رمانتیسم در غرب و نیز جریان‌های متعدد عرفانی و صوفیانه در سنت اسلامی نمونه‌هایی از حرکت‌های معنویت خواه هستند (بابایی: ۱۳۹۳، ۴۷-۴۸).

معرفت و هنر

یکی از شاخصه‌های مهم تمدنی، وجود آثار هنری و دستاوردهای علمی است. این موضوع نشان دهنده اهمیت علم، دانش و هنر در تمدن‌سازی است. بخشی از علم برگرفته از دین است بخش دیگر با تأمل عقلی و بخشی نیز از طریق علوم تجربی به دست می‌آید و بخش دیگر را معرفت شهودی تشکیل می‌دهد که از طریق مشاهدات و مکاشفات عارفانه قابل دستیابی است.

وحدت، انسجام و نظام‌مندی

آنچه از عناصر تمدن نام برده شد اگر به صورت نظام و ساختار منسجم در کنار یکدیگر قرار نگیرند به طور قطع تمدن شکل نخواهد گرفت. جامعه زمانی به اهداف خود می‌رسد که هر کدام از اجزای آن، وظایف خویش را با نظم و دقت خاصی در ارتباط با دیگر

بخش‌ها عملی سازد. وحدت و انسجام در امور و همبستگی اجتماعی عامل هویت بخش جامعه و نیز عامل حفظ جامعه از تهدیدهاست. وحدت و یکپارچگی در شرایطی پیش می‌آید که هر بخشی و هر فردی با کارکرد خویش نقشی در اعتلای کلیت تمدن ایفا نماید و هرچه آهنگ تفرقه و تأکید بر جنبه خاص بیشتر باشد تمدن به فروپاشی نزدیک‌تر می‌شود.

استقلال در داشته‌ها

جامعه یا ملت در صورتی می‌توانند تمدن را به خود نسبت دهند که در داشتن عناصر مذکور استقلال داشته باشند. اگر جامعه یا ملتی در داشتن علم، هنر، نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وابسته باشد نمی‌توان گفت دارای تمدن است. برای نمونه بسیاری از جوامع شرق آسیا هرچند پیشرفت چشم‌گیری در بسیاری از عرصه‌ها نموده‌اند اما در بخش مهمی از زمینه‌ها وابسته به غرب هستند از این رو به جرأت باید گفت این تمدن غرب است که توانسته تا آنجا امتداد یابد و به طور قطع آیندگان نیز همین قضاوت را خواهند کرد. لازم به ذکر است که عناصر یاد شده کاملاً در یک نظام به هم پیوسته در هم تنیده‌اند؛ زیرا نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برپایه ارزش‌های حاکم بر جامعه شکل می‌گیرند و ارزش‌ها مبتنی بر دانش و معرفت هستند. نیز از تأثیرگذاری تمدن‌ها بر یکدیگر نباید غفلت ورزید. تمدن‌ها، از اندوخته‌های تمدن‌های پیش از خود بهره برده، خود بدان افزود و بر تمدن‌های پس از خود تأثیر می‌گذارند (دورانت: ۱۳۳۷، ۷).

تمدن اسلامی

تمایز تمدن‌ها می‌تواند معلول اهمیت برخی بخش‌ها بر دیگر اجزای آن باشد؛ برای نمونه در قرن چهارم هجری قمری، تمدن اسلامی بیشتر چهره علمی خود را بروز داد اما در

دوره صفویه، جنبه هنری به ویژه آثار معماری، نمود بیشتری داشت. گاهی نیز تمایز تمدن‌ها به جهت تفاوت در زوایای ساحت درونی آن‌ها است؛ یعنی در لایه مربوط به بنیان‌های فلسفی و تصدیقات دینی. این لایه که به جهان‌بینی تعبیر می‌گردد، سطوح روبنایی را متأثر می‌کند و بدان جهت می‌بخشد. درحقیقت دو لایه بیرونی مبتنی بر جهان‌بینی رشد می‌کنند (محمودی و کرمانی: ۱۳۹۷، ۴۷).

بنابراین در مورد الهی بودن تمدن‌ها از سه سنخ تمدن می‌توان بحث نمود: نخست تمدنی که از جهان‌بینی سکولار پشتیبانی می‌شود. دوم تمدنی که جهان‌بینی‌اش را باورهای الهی و دینی شکل می‌دهد و سوم تمدنی که از جهان‌بینی الحادی تغذیه می‌شود. تمدن امروز غرب به عنوان رقیب تمدن اسلامی (هانتینگتون: ۱۹۹۸، ۲۰؛ همو: ۱۳۸۱، ۶۷) هرچند در برخی بخش‌های سطح بیرونی به طور چشم‌گیری پیش‌رفته است، از حیث جهان‌بینی، سکولار است؛ لذا علوم و فناوری، هنر، صنعت، و هر آنچه جنبه بیرونی و سخت‌افزاری تمدن غربی به‌شمار می‌رود، رنگ و بوی سکولاریسم دارد (خاکی قراملکی: ۱۳۹۴، ۱۱۵-۱۱۸؛ عیسی‌زاده و شرف‌الدین: ۱۳۹۵، ۳۹-۴۵).

بن‌مایه‌های وحیانی، جوهره‌ی تمدن اسلامی است که سبب تمایز آن از دیگر تمدن‌ها می‌شود. اسلامی بودن تمدن ناشی از ابتدای آن تمدن بر معارف و علوم اسلامی و قانون الهی است. با توجه به منابع اسلامی، مهمترین شاخصه‌های تمدن اسلامی را می‌توان در این شاخصه‌ها دانست: غیب‌باوری، توحید محوری، معاد باوری، توجه به معنویت و باطن، عدالت محوری، وحدت‌گرویی، مجاهدت مداوم و حکومت مردمی، علم و دانش، عقلانیت، باور به کرامت انسان در عین عبودیت در برابر خداوند، باور به ولایت و خلیفه الهی انسان کامل و جریان احکام اسلامی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی. (اکبری و

رضایی: ۱۳۹۴، ۹۱) شاخصه‌های یاد شده در سه محور اساسی تمدن اسلامی جریان دارند.
بنابراین:

۳. تمدن اسلامی بر مبنای جهان‌بینی توحیدی و مبانی نظری اسلامی استوار است؛
۴. علوم انسانی و در نتیجه نظام‌سازی‌اش برگرفته از قواعد، متون و علوم اسلامی است؛
۵. جهت‌گیری و هدفش اعتلای معنوی انسان می‌باشد؛

تمدن اسلامی، به لحاظ مبانی نظری (هستی‌شناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی) تفاوت‌های بنیادینی با تمدن‌های مادی دارد. از منظر هستی‌شناسی توحیدی، جهان طبیعت مملو از قوانین طبیعی است اما همه آنها ذیل اراده پروردگار قرار دارند. پدیده‌های طبیعی هر یک براساس قوانین خاصی وظیفه خود را انجام می‌دهند. جهان‌بینی توحیدی در زمینه دین‌شناسی، سکولاریسم را نمی‌پذیرد و بر این باور است که دین در تاروپود زندگی انسان نقش دارد. در باب انسان‌شناسی برای انسان علاوه بر بعد مادی، جنبه غیرمادی نیز قائل است؛ در نتیجه صرفاً به تأمین نیازهای مادی نمی‌اندیشد و نیازهای غیرمادی همچون معنویت را بسیار بااهمیت می‌داند. همچنین هرچند انسان را خلیفه خدا می‌داند، اومانیت نبوده و خدا را در همه عرصه‌ها محور می‌داند. از منظر معرفت‌شناسی نیز علاوه بر حس و عقل، برای وحی و شهود جایگاه معرفتی قائل است.

از سویی دیگر، هدف تمدن اسلامی تربیت انسان فضیلت‌مند و دارای خصلت‌های معنوی والا است که در نهایت به عبودیت ختم می‌شود. در نگاه اسلامی همه برنامه‌ریزی‌ها،

تولید ابزار و خلق آثار هنری در جهت تربیت انسانی خواهد بود که تسلیم محض پروردگار است. در نگاه اسلامی هنر برای هنر، ثروت برای ثروت و علم برای علم مورد پذیرش نیست بلکه همه برای رساندن انسان به مقامات معنوی و عبودیت اوست. آثار هنری، هم نشانی از زیبایی پروردگارانند و هم برای ارتقای لطافت روح انسان برای درک لطایف مجرد و معنوی خلق می‌شوند. علم و ثروت و ابزارها نیز در جهت تولید نسل سالم و زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان است (محمودی و کرمانی: ۱۳۹۷، ۴۹-۵۱).

چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی

باید توجه نمود که مبحث تمدن‌گرایی، خود یک چشم‌انداز مهم برای آینده جهان اسلام است. اهمیت این موضوع در برابر ملی‌گرایان و سکولارها که آینده را در بازگشت به سنن باستانی یا ایده‌های غربی محدود می‌کنند، واضح می‌شود (روحی: ۱۳۹۲، ۵۶)؛ البته با توجه به اینکه تمدن نوین اسلامی از مباحث نسبتاً جدیدی است که در بیانات رهبرانقلاب مطرح شده است، به‌طور خاص درباره چشم‌اندازهای آن ادبیات زیادی تولید نشده است. چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی نیازمند شناخت وضع موجود و آینده محتمل آن به‌علاوه ترسیم وضع مطلوب و ارائه برنامه چشم‌انداز برای رسیدن به وضع مطلوب است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم که منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی است، الزامات نیل جامعه اسلامی به تمدن بزرگ اسلامی و رساندن جهان به عدالت و پیشرفت را ارائه می‌نماید. بیانیه گام دوم به‌صورت شفاف، هدف غایی انقلاب اسلامی را تمدن نوین اسلامی بیان می‌کند: «شما باید که باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد «تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید» (خامنه‌ای: ۱۳۹۷، ۵).

وضعیت مطلوب برای تمدن نوین اسلامی، وضعیتی است که تمدنی دینی تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را در بر بگیرد. (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۳، ۱۱۳) رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی به هفت مؤلفه اشاره دارند: ۱. علم و پژوهش؛ ۲. اخلاق و معنویت؛ ۳. اقتصاد؛ ۴. عدالت و مبارزه با فساد؛ ۵. استقلال و آزادی؛ ۶. عزت ملی در حوزه روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ ۷. سبک زندگی. بر اساس بیانیه گام دوم و سایر بیانات رهبر انقلاب، در تمدن اسلامی حاکمیت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت‌های مردمی، اندیشه پیشرفت، پاسخگویی به نیازهای بشر، ایجاد رفاه عمومی و استقرار عدالت مدنظر است. (اکبری و رضایی: ۱۳۹۴، ۹۱) برای رسیدن به این مطلوب باید به مشترکات امت اسلامی توجه نمود. موارد مشترکات امت اسلامی عبارتند از:

۱. ارزش‌ها و سابقه تاریخی مشترک: مانند ارزش‌های مشترک جهان اسلام در قالب شعائر زمانی (ماه مبارک رمضان)، مکانی (حج و مساجد).
 ۲. جغرافیا و مرز مشترک: جهان اسلام موقعیت‌های مهم و ژئوپولیتیکی مانند جبل الطارق، دریای عمان و خلیج فارس را در اختیار دارد که می‌تواند استعمارگران را تحت فشار قرار دهد.
 ۳. منافع و منابع مشترک: مانند گاز و نفت منطقه غرب آسیا.
 ۴. موانع و تهدیدهای مشترک: آمریکا دشمن مشترک همه جهان اسلام است.
- به نظر می‌رسد در صورتی که جهان اسلام به هویت مشترک خود توجه کند، می‌تواند با توجه به مجد و شکوه گذشته خود، به سمت تحقق «تمدن نوین اسلامی» پیش رود.

سرزمین‌های اسلامی در گذر تاریخ چند صد ساله خود، دانشمندان فراوانی را به خود دیده و دست‌مایه‌های گران‌بهایی را از علوم اسلامی فراهم آورده است. نیز در گذشته بحث فلسفه علوم انسانی و مباحثی نظیر علم دینی تئوریزه نشده بود؛ اما در حال حاضر مباحثی نظیر علم دینی و روشن شدن زوایای آن، مسیر نظام‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی بر مبنای علوم اسلامی را هموارتر کرده‌اند. در گذشته هیچ‌گاه، حتی در دوره اوج تمدن اسلامی، حاکمیتی با محوریت ولایت عالمان دین شکل نگرفته تا بتواند با فعال کردن استعدادها، ظرفیت‌های دین را در جهت نظام‌سازی به کار گرفته و اهداف دین را تحقق بخشد. اکنون نیز مسلمانان یک میلیارد و هفتصد میلیون نفر جمعیت دارند و سریع‌ترین دین در حال رشد در اروپا هستند و تا سال ۲۰۴۰ میلادی دومین گروه مذهبی در آمریکا خواهند بود. جهان اسلام به منزله یک قطب جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، قابلیت‌های مهمی برای احیای تمدن نوین اسلامی را دارد.

رسانه و تمدن‌سازی

نکته مهم مورد توجه آن است که در فرآیند تحقق دادن تمدن نوین اسلامی، توجه به لایه‌های تمدنی لازم و بایسته است. تمدن دارای پیچیدگی و لایه‌های مختلفی است. وجود پیچیدگی در تمدن به جهت پیچیدگی خود آدمی است؛ زیرا انسان که با فعالیت‌های گوناگون خود تمدن‌ها را پدید می‌آورد، دارای دو بعد روح و جسم است و از توانایی‌ها، نیازها و استعدادهای گوناگون در لایه‌های متعدد وجودش برخوردار است. آدمی در درونی‌ترین سطح از وجود خویش دارای دو سنخ از باورها (باورهای دینی و باورهای هستی‌شناسانه) است. این دو، بنیان همه دستاوردهایی است که در لایه‌های سطحی‌تر قرار دارند. در لایه سطحی‌تر، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر، نظام‌های اجتماعی - سیاسی قرار می‌گیرند. علاوه بر اینها انسان با نیازها و تهدیدهایی روبروست که هر یک زمینه‌ای برای شکل‌گیری

جنبه‌ای از تمدن هستند. این لایه خود می‌تواند در دو جنبه ذهنی و عینی بروز یابد. از این رو انسان به اموری به عنوان آموزه‌های دینی باور دارد و بر اثر کوشش عقلانی، نظام‌های فلسفی و باورهای هستی‌شناختی را پدید می‌آورد و به جهت نیاز به استفاده بیشتر از مواهب و منابع طبیعی و دفاع از خود در مقابل تهدیدها، علوم تجربی و صنعت را پدید می‌آورد و به سبب برخورداری از حس زیبایی‌شناسی آثار هنری می‌آفریند و بالاخره برای زیستن در کنار یکدیگر نظام‌های ارزشی را پایه‌ریزی می‌کند. بروز و ظهور ساختارمند و منسجم مجموعه این موارد، تمدن را شکل می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت:

لایه نخست: مبانی نظری که از باورهای دینی و بنیان‌های هستی‌شناختی گرفته می‌شود.

لایه دوم: علم، هنر و نظام‌های ارزشی که در ذهن و گرایش‌های انسانی جای دارند. (هویت ذهنی تمدن)

لایه سوم: ظهورات عینی هنر و گزاره‌های علمی و ارزشی. (هویت عینی تمدن)

مسئله قابل توجه آن است که فعلیت لایه سوم تمدنی، نیازمند رسانه و نظام ارتباطات است. تمدن‌ها دارای نظام‌های متعددی نظیر نظام اقتصادی، سیاسی، معنوی، هنری، اخلاقی و مانند آنها بوده‌اند اما با توجه به دنیای کنونی، تمدن‌های نوین، دارای عرصه‌های نوینی تمدنی مانند رسانه و ابزارهای جدید ارتباطی هستند که در گذشته نشانی از آنها نبوده است. از صدر اسلام تا چند دهه قبل، مسجد تنها به عنوان مهم‌ترین رسانه جمعی و محل انتشار اخبار و عقاید محسوب می‌شد و به عنوان تنها رسانه جمعی در گسترش تمدن اسلامی نقش مؤثری را ایفا کرد. اما با پیشرفت جهان و ورود تکنولوژی‌های مدرن و آغاز عصر انفجار اطلاعات طبیعتاً برای رشد و گسترش تمدن اسلامی آشنایی و استفاده از این

تکنولوژی های جدید ارتباطی مهم است. بدون شک امروزه با وجود فناوری های پیشرفته ارتباطی که غالباً از سوی تمدن غربی گسترش می یابد، فاصله زمانی و مکانی بین جوامع از بین رفته است (یوسیفیدیس: ۱۳۹۶، ۲۶۰؛ گلبک: ۱۳۹۶، ۷۶). تمدن غرب از رسانه برای استقرار و استمرار تمدن خود و نهادینه کردن سبک زندگی غربی و اشاعه زشتی ها در میان سایر جوامع، بهره زیادی می برد (جنکینز: ۱۳۹۴، ۸۵-۸۷). کشورهای غربی با استفاده از رسانه در حال تسلط بر سایر فرهنگ ها هستند و در این کار از جامعه شناسان، روان شناسان و مورخان، استفاده می کنند. استفاده دشمنان از داده های تاریخی در رسانه و فضای مجازی در جهت تخریب حافظه تاریخی و ایجاد آلتایمر تاریخی (فاضلی: ۱۳۹۳، ۹۸) نسبت به وقایع عبرت انگیز، بخشی از عملیات رسانه ای تمدن غرب است. بنابراین عرصه روایت تاریخ و هویت سازی از آن، یکی از عرصه های نزاع تمدنی در پیچ تاریخی کنونی است. از سوی دیگر شناخت هویت ملی و احساس افتخار به آن از ضروری ترین نیازهای یک ملت تمدن ساز است و «نیاز عمده ی جوان، هویت است؛ باید هویت و هدف خودش را بشناسد.» (خامنه ای: ۱۳۸۰/۲/۱۲).

حاصل کلام آن است که رسانه نقش به سزایی در انتقال اطلاعات و سرعت بخشیدن به تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. حضور گسترده رسانه در زندگی انسان امروز، رسانه و نظام ارتباطات را یکی از نظامات تمدن سازی کرده است. رسانه هم «روایت کننده تمدن» است و هم «تمدن ساز». تاریخ رسانه نشان می دهد که رسانه ها این قابلیت را دارند که در هرگونه حرکت و تحول اجتماعی، از جمله پیشران ها و پیشبرنده ها باشند (مرادی و همکاران: ۱۳۹۷، ۶۷-۶۹؛ جنیدی: ۱۳۹۸، ۴۰-۵۰). رسانه از طریق ساخت انگاره ها (فرامرزمراملکی: ۱۳۹۸، ۲۰۷-۲۲۹)، جهت دهی رویکردهای ساختاری و محتوایی در قالب پویش های فراگیر، جریان سازی و گفتمان سازی در سطوح فروملی، ملی و فراملی

می‌توانند زمینه‌ساز تحقق تمدن‌های نوین باشند (برینگز: ۱۳۹۱، ۳۶۱-۳۶۲). از آنجا که نوع و عملکرد رسانه در مقیاس محلی با نوع و عملکرد آن در مقیاس ملی و در مقیاس تمدنی متفاوت است باید به دنبال رسانه تمدنی تراز و متناسب با تمدن نوین اسلامی بود (بابایی: ۱۳۹۵، ۶۷).

در این میان شبکه‌های اجتماعی مجازی، تأثیر عمیقی بر هویت ملی و تمدنی کاربران دارد. زیرا گستره شمول آن‌ها بسیار زیاد شده است. اعتماد به نفس ملی و افتخار به هویت ملی، یکی از مهم‌ترین پایه‌های جهش تمدنی کشور است و تبلیغات دامنه‌دار دشمن در تحقیر مردم ایران نیز نشان می‌دهد که «اعتماد به نفس» و «هویت ملی» مردم ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات دارند. بنابر نظر رهبر معظم انقلاب هویت ملی مردم ایران بر سه پایه استوار است: «هویت ملی ما چه جوری تعریف می‌شود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل می‌دهد.» (خامنه‌ای: ۹۶/۳/۲۲؛ نیز ر.ک: حقانی و همکاران: ۱۳۸۶، ۵۶۳-۵۷۸).

فضای مجازی و هویت ملی

در فضای مجازی از میان سه پایه هویت ملی یعنی «اسلام»، «ایران» و «انقلاب اسلامی»، روایت ناقص و تحریف شده از ایران باستان مورد توجه این مقاله است. پرواضح است که داشتن هویت ملی، از عناصر اصلی مقوم تمدن است. باستان‌گرایی موجود در فضای مجازی به دنبال ساخت یا تغییر هویت واقعی ایرانی است. جریان باستان‌گرا از فعال‌ترین جریان‌های روایت تاریخ در فضای مجازی است و باستان‌گرایی در تلگرام، اینستاگرام و سایت‌های تخصصی اولین فراوانی را در میان پیام‌های تاریخی داشته است

و صدها سایت، کانال و پیج متولی ترویج باستان‌گرایی شاهانه هستند. استفاده از باستان‌گرایی برای تخریب هویت دینی و انقلابی مردم، خطر جدی به‌شمار می‌رود و نمودهای اجتماعی آن نیز در قالب ترویج نماد فروهر، تجمعات هفت‌آبان، گرایش به سمت اسامی ایران باستان، کثرت کتاب‌های تبلیغاتی در حوزه ایران باستان و رسمیت بخشیدن به «عقد آریایی» و ده‌ها مورد دیگر قابل مشاهده است. خطر اصلی جایی است که ایران باستان در برابر اسلام قرار می‌گیرد. نتیجه این هجمه سازمان یافته، تخریب هویت ملی و پایه‌های فکری و ذهنی تمدن نوین اسلامی است؛ امری که به تعبیر رهبر معظم انقلاب بدترین مشکل یک کشور به‌شمار می‌رود «بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند.» (خامنه‌ای: ۸۱/۷/۳).

احیای باستان‌گرایی و تاریخ پیش از اسلام، هدف مشترک وزارت مستعمرات بریتانیا و سازمان‌های فراماسونری فعال در ایران و سایر کشورهای اسلامی بوده است. حال آنکه مسلمانان مترقی دوره نخستین به روابط قومی و تعصبات نژادی توجه نداشتند، فقط به جامعه دینی معتقد بودند (موثقی: ۱۳۷۸، ۷۸). فرقه‌گرایی نیز در میان مسلمانان موجب واکنش‌های فرقه‌گرایانه و انحطاط بیشتر و تمدن‌زایی خواهد بود. این حرکت در تاریخ معاصر از آخوندزاده، ملکم‌خان، آقاخان کرمانی و برخی دیگر از روشنفکران آغاز شد و فراماسونری‌های نظیر فروغی و پیرنیا آن را پی گرفتند. «نامه خسروان» اثر جلال‌الدین میرزا، «نمایشنامه عشق و مردانگی» اثر ابوالحسن فروغی، «از پرویز تا چنگیز» اثر تقی‌زاده، «ایران باستان» اثر حسن پیرنیا، «فرهنگ پهلوی» اثر پرویز ناتل خانلری بخشی از تولیدات این جریان است. هدف جریان باستان‌گرا معرفی اسلام به‌عنوان عاملی مخرب در تاریخ ایران و بیان درخشان‌تر تاریخ ایران پیش از اسلام نسبت به تاریخ بعد از اسلام است. هدفی که کاملاً در مقابل تمدن نوین اسلامی قرار دارد. بدین صورت که معرفی هویت ایرانی، در

روندی اشتباه به تقابل با دین معنا می شود. حال آنکه بدون داشتن هویت اسلامی نمی توان دم از تمدن نوین اسلامی زد. به دیگر سخن باستان گرایی توسعه و ترویج داده شده در فضای مجازی، هویت سوز است نه هویت ساز و در نتیجه تمدن زا است نه تمدن ساز. توجه به نقاط درگیری بحث باستان گرایی در این زمینه اهمیت دارد.

در باستان گرایی نقطه درگیری های خرد و کلان فراوانی را می توان مشاهده کرد؛ برجسته سازی امپراطوری های هخامنشی و ساسانی، انتساب حکمرانی عدالت محور به پادشاهان ایران باستان مانند داریوش و انوشیروان، نمایش مظاهر پیشرفت در هنر، موسیقی، معماری، بهداشت، سیستم حقوقی، ضرب سکه، سوارکاری و سیستم آبرسانی، نمایش پوشش و سبک زندگی ایرانیان باستان، رونق اقتصادی و تجارت خارجی آن دوران، برابری حقوق زنان و مردان، رقص و شادی در ایران باستان، اهمیت زنان، سجایای اخلاقی ایرانیان باستان، نمایش عظمت قدرت نظامی و ارتش هخامنشی و اشکانی، کرنش غرب و روم در برابر شاهان باستانی ایران، ترویج زرتشت گرایی (با نمایش نمازهای پنج گانه زرتشتیان، اخلاق و صلح گرایی زرتشت، دعای وقت خواب، عقد آریایی، نماد فروهر) و کوروش گرایی (ردپای کوروش در اساطیر، ممسوح خدا بودن، اعلامیه حقوق بشر، تمجید از فتح بابل و سایر مناطق) بخشی از این مسائل هستند.

همچنین محور باستان گرایی به عنوان پشتوانه ایدئولوژیک تطهیر پهلوی مطرح است. بدین صورت که کانال های تاریخی تلاش دارند تا از طریق برجسته کردن ایران باستان، رژیم پهلوی را تطهیر کنند. کانال هایی مانند تاریخ پرسیا، میراث گذشتگان، یادی از گذشته، تاریخ هفت هزار ساله، ایرانشهر، تاریخ ما و... به طور خاص بر ترویج باستان گرایی و تطهیر پهلوی متمرکز هستند. از میان سایت های اینترنتی نیز بخش تاریخ باستان سایت

سازندگی، یورونیوز، رادیو فردا، بی بی سی، دویچه وله، دستی بر ایران، بنیاد مطالعات ایران، تاریخ ما، تاریخ ایرانی و ... ترویج باستان‌گرایی را در دستور کار قرار داده‌اند.

راهبردهای روایت تمدن ساز هویت ملی در فضای مجازی

مرور اجمالی فوق بر شیوه روایت عناصر هویت ملی در فضای اینترنت و پیامرسان‌ها مشخص شد که روایت موجود از باستان‌گرایی و در نتیجه ساخت هویت، کاملاً ناقص و تحریف‌آمیز بوده و در راستای تخریب هویت ملی (ایرانی - اسلامی) جامعه است. طبیعی است که با استمرار روند موجود تلقی ده‌ها میلیون کاربر ایرانی از هویت ملی خود، تلقی درستی نخواهد بود و انگاره‌های نادرستی را درباره «خود» خواهند داشت.

با توجه به اصلاح سه‌گانه هویت ملی (عمق تاریخی، اسلام و انقلاب اسلامی)، روایت تمدن ساز از هویت ملی در فضای مجازی نیازمند ارائه راهبردهای دقیق و راهکارهای موثر است. راهبردهای زیر با رویکرد مقابله با باستان‌گرایی افراطی موجود بیان می‌شوند. در ادامه شش راهبرد اساسی برای «روایت تمدن‌ساز هویت ملی» در فضای مجازی ارائه می‌گردد:

ردیف	راهبردها	راهکارهای تحقق راهبرد
	تقویت بینش تمدنی و تبیین چیستی و فرایند تمدن اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> - تبیین چیستی، ضرورت و مراحل تمدن در تاریخ اسلام، ایران و جهان. - تبیین جایگاه دولت اسلامی و جامعه اسلامی با استفاده از داده‌های تاریخی. - بازنمایی الگوی تمدن اسلامی در عصر صفوی. - تلاش برای تاثیرگذاری بر روی کودکان و نوجوانان و تربیت افراد شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور و انقلابی. - تقویت کلان‌نگری برای فهم دستاوردهای تمدنی انقلاب.

<p>- ترویج تفکر امت محور.</p> <p>- برجسته سازی نقش پیروی از رهبری واحد در حفظ کشور و پیشرفت همه جانبه.</p> <p>- تبیین دستاوردهای نظام اسلامی به عنوان الگوی تمدن اسلامی.</p> <p>- بازخوانی ظرفیت های بی پایان کشور در ایجاد تمدن نوین اسلامی.</p> <p>- بازخوانی آسیب های انقطاع تمدن غرب از معنویت، ضرورت ایجاد تمدنی متکی به معنویت.</p> <p>- تقویت عقلانیت دینی در مردم با استفاده از روش های عقلانی در رسانه و پرهیز از پروپاگاندا و فعالیت های سخیف تحت شعار جذب خاکستری.</p> <p>- تضعیف فرهنگ مهاجم غربی با نمایش انحطاط جامعه، فرهنگ و تمدن در غرب.</p>		
<p>- برجسته سازی استعداد تاریخی ایرانیان در تولید علم، صنعت و...</p> <p>- بازنمایی فرهنگ، رفتارها و رسوم غنی، زیبا و ریشه دار مردم ایران.</p> <p>- تبیین مقاومت تاریخی مردم ایران در برابر بیگانگان مانند مقاومت سوزنا.</p> <p>- تقویت حس وطن دوستی.</p> <p>- تقویت افتخار به هویت ملی.</p> <p>- برجسته سازی حفظ و ترویج زبان فارسی توسط جمهوری اسلامی.</p> <p>- ترویج آثار تاریخی و رسوم محلی و ایرانی.</p>	<p>روایت فرصت محور از عمق تاریخی ایران</p>	

- بازنمایی کارکردهای فردی و اجتماعی دین و دین اسلام در طول تاریخ مانند:

. احیای ایران توسط حکومت شیعی صفوی، آثار فرهنگ اسلامی در رشد و اعتلای جوامع بشری بویژه در ایران مانند: مبارزه با نظام طبقاتی، نقش محوری دین در اولین بارقه بیداری در قیام تنباکو، گسترش عدالت اجتماعی، شخصیت دادن به مقام زن، از بین بردن تفکر فره ایزدی بودن پادشاهان، مبارزه با خرافات، شکوفا کردن استعداد های ایرانی و رشد علمی بی سابقه، برقراری وحدت عقیده و از بین بردن جاهلیت در ایران، تقویت روحیه تلاش با اتکا به نصرت الهی و توکل بر خداوند، غیرت دینی ایرانیان در قتل گریبایدف روسی، دین باوری و شجاعت مردم در قیام ۱۵ خرداد ۴۲؛ نقش دین در شهادت طلبی ها و مقاومت های دوران صفویه، مشروطه و دفاع مقدس، هویت بخشی به مردم ایران و مقابله از بحران هویت تحمیلی از طرف غرب، اعطای قدرت تحمل و صبر در برابر مشکلات.

- بازخوانی عناصر زمانی، مکانی و نمادهای هویت بخش در تاریخ صدر اسلام مانند: ماه محرم و رمضان المبارک، مساجد، استقامت مسلمانان در مکه و قداست نبی اکرم (ص).

- نمایش جنبه های خلاقانه و خود باورانه معماری ایرانی. اسلامی.

- بازخوانی کارکردهای تشیع در تاریخ اسلام و ایران مانند نقش تعظیم شعائر در تحولات.

- تبیین کارآمدی حکومت های نزدیک به اسلام مانند خدمات آل بویه، صفویه و... به جامعه ایرانی.

- نمایش برتری حکومت های نزدیک به اسلام با سلطنت های دور از اسلام در عدالت و خدمات اجتماعی.

تبیین نقش تاریخی دین
به عنوان یکی از عناصر
هویت ملی

<p>- پاسخ به شبهات (خرافه، خشونت و نفی پیشرفت) مردم‌گرایی و خدمات اجتماعی.</p> <p>- بازنمایی آثار تمدن اسلامی بر دنیای غرب.</p>		
<p>- برجسته‌سازی چهره‌های وطن‌دوست، مقاوم و مردمی تاریخ ایران باستان.</p> <p>- بزرگ‌نمایی شهدای برجسته اسلام، روحانیت شیعه، شهدای بین‌المللی، شهدای مقاومت، شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.</p> <p>- بازنمایی شخصیت‌های موثر در تحولات تاریخی مانند امیرکبیر، وکیل‌الرعا، سردار سلیمانی، دانشمندان و شهدای هسته‌ای و... .</p> <p>- بازخوانی شخصیت‌های بصیر و دشمن‌شناس.</p>	<p>الگوسازی از مفاخر و اسطوره‌های ایرانی، اسلامی و انقلابی</p>	
<p>- نمایش تحقیر تاریخی و عقب ماندگی ملت ایران در دوران قاجار و پهلوی.</p> <p>- ارتقای خودآگاهی تاریخی و تمدنی (ما توانسته‌ایم).</p> <p>- بازنمایی پیشرفت‌ها و دستاوردهای خودباورانه پس از انقلاب اسلامی.</p> <p>- بازنمایی ظرفیت‌های موجود جهت عبور از مشکلات و رسیدن به آینده مطلوب.</p> <p>- نمایش افول نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای نظام سلطه و آمریکا از طریق: بازتاب ضعف‌ها و شکست‌های نظامی آمریکا، بازخوانی افول اقتصادی آمریکا و نمایش شکسته شدن انحصار رسانه‌ای-تبلیغاتی صهیونیسم جهانی.</p> <p>- ایجاد احساس منفی نسبت به نظام سلطه و پادوهای داخلی آن.</p>	<p>مقابله با خودتحقیری</p>	

- افشای سناریوی بیگانگان در تقویت باستان گرایی و آریایی گرایی
مانند: مغرضانه بودن مباحث مستشرقین، محدود کردن ایران باستان به
کوروش حال آنکه هفت هزارساله داریم، برنامه های صهیونیست ها در
تحریف و تحقیر مردم ایران مانند پوریم.
- تضعیف خط رسانه ای دشمن با بیان ابهامات و تردیدها در ادعاها و
موهوم بودن برخی از مسائل ایران باستان.
- ارائه تصویر واقعی از وضعیت ایران پیش از اسلام مانند سیستم
طبقاتی این حکومت ها، پیگیری منافع شخصی توسط سلاطین
هخامنشی و جنایات و ظلم های پادشاهان.
- بازنمایی احکام سخت گیرانه و بعضا غیرانسانی در ایران باستان.
- پاسخ به شبهات اصلی باستان گرایان مانند توحش اعراب،
کتاب سوزی و ...
- تبیین ضربه های قاجار و پهلوی به آثار باستانی و هویت تاریخی مردم
ایران.
- مقابله با تبلیغات زرتشت گرایانه از طریق بیان تناقضات احکام
زرتشت و ...
- تبیین تفاوت میان باستان گرایی صهیونیستی و وطن دوستی.
- نقد آریاگرایی و برتری نژادی.
- مقایسه تطبیقی حکومت های پادشاهی با حکومت دینی در پابندی
حکومت های دینی بر ملی گرایی مثبت و خیانت مدعیان باستان گرایی
علیه کشور.

تضعیف انگاره های
باستان گرایانه و شبهات
ضداسلامی آنان

پژوهش حاضر بر اساس دغدغه‌های تمدنی رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم انجام گردیده که ضمن بیان چیستی و عناصر تمدن به تبیین مفهوم تمدن اسلامی و چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی از منظر ایشان پرداخته و نقش رسانه و فضای مجازی را در چگونگی ساخت، بازنمایی و بازخوانی هویت ملی ایرانیان مورد توجه قرار داده است. مسأله اصلی پژوهش پیش رو؛ بیان راهبردهای «روایت عناصر هویت ملی در جهت تمدن‌سازی» می‌باشد و فرضیه تحقیق آن است که تمدن نوین اسلامی برپایه هویت ملی و تاریخی جامعه اسلامی تکوین می‌یابد. که رهبر انقلاب اسلامی نیز در بیانیه گام دوم بر اهمیت تاریخ، هویت‌سازی آن و نقش رسانه‌ها در تحریف یا تغییرمسیر هویتی جامعه و یا هدایت صحیح آن تأکید داشتند. و درنهایت در مورد «راهبردهای روایت تمدنی ساخت هویت ملی در فضای مجازی» در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی شش راهبرد به عنوان دستاوردهای پژوهش، که ذیل هر کدام، راهکارهای اجرایی آن بیان شده است مورد مذاقه و استنتاج قرار می‌گیرد. این راهبردها عبارتند از:

۱. تقویت بینش تمدنی و تبیین چیستی و فرایند تمدن اسلامی: هدف از این راهبرد، بالا بردن نگاه تمدنی و کلان جامعه در مقابل نگاه روزمره نسبت به مسائل و مشکلات است. زیرا بدون کلان‌نگری و جامع‌نگری نمی‌توان افق تمدنی در جامعه ایجاد نمود. ثابت شد که یکی از مشکلات اصلی جامعه امروز ایرانی، عدم توجه به افق پیش‌روی و نگاه روزمرگی بوده که یکی از اصلی‌ترین موانع تحقق تمدن نوین اسلامی است. البته این موضوع به معنای فراموشی واقعیت عینی و فعلی جامعه نیست؛ منظور آن است که با نگاهی

کلان و تمدنی و بالا بردن بینش تمدنی، می توان مسیری صحیح برای رفع و دفع مشکلات و مسائل روزمره یافت.

۲. روایت فرصت محور از عمق تاریخی ایران: از نتایج حاصله آن است که عدم

توجه به عمق تمدنی و افتخارات تاریخی از دیگر موانع مسیر تمدن نوین اسلامی است. درمقابل شناسائی صحیح و به دور از تحریف موقعیت های فاخر تاریخی و فرهنگ غنی ایرانی در فضای مجازی و رسانه ها، از الزامات راهبردی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی - ایرانی است .

۳. تبیین نقش تاریخی دین به عنوان یکی از عناصر هویت ملی: در تقابل قرار دادن

دین و تاریخ و نفی دین؛ از شیوه های دشمن در هویت سازی یکی از موانع تمدن نوین اسلامی است؛ بیان شد که یکی از مهمترین راهبردهای تمدنی «روایت هویت در فضای مجازی و رسانه ای» توجه ویژه نسل جوان به نقش دین در هویت سازی و جامعه سازی است. این مهم در مورد جامعه ایرانی واضح و روشن است. زیرا ایرانیان همیشه دین دار بوده و رویکرد توحیدی داشته اند.

۴. الگوسازی از مفاخر و اسطوره های ایرانی، اسلامی و انقلابی: از دیگر نتایج

پژوهش این است که بهترین راه ترمیم و تقویت هویت ملی یک جامعه، معرفی الگوهای عملی و عینی برای آن باشد؛ الگوها و مفاخری که خود نمود عینی هویتند. نشان دادن الگوهای عینی؛ منجر به تولید حس مثبت درونی نسبت به گذشته و امید به آینده می شود. راهبرد الگوسازی از مفاخر به دنبال

- ایجاد این انگاره در اذهان است که مسیر تمدن نوین اسلامی را قابل تحقق می نماید همانگونه که در گذشته توسط مفاخر و اسطوره‌ها طی شده است.
۵. **مقابله با خودتحقیری:** داده‌ها عیان ساخت که مساله تحقیر ایرانیان توسط استعمارگران از اواسط دوران قاجار شروع شد. نکته مهم آن است که این مسأله توسط افراد و عناصر داخلی و بی‌هویت چنان پیش رفت که پس از مدتی به خودتحقیری رسید متأسفانه این موضوع همچنان در فضای مجازی جریان داشته و می‌توان همچون موریانه‌ای بر پیکره هویت ملی دانست که به تدریج آن را فرو می‌ریزد. این راهبرد سعی بر آن دارد که راهکارهایی برای رفع خودتحقیری و مقابله با آن در فضای مجازی در راستای تمدن نوین اسلامی را ارائه دهد.
۶. **تضعیف انگاره‌های باستان‌گرایانه و شبهات ضداسلامی آنها:** القای تقابل ایران باستان با دین یکی دیگر از راهبردهای دشمنان برای تخریب هویت ملی و تاریخی جامعه ایرانی است. از دیگر دستاوردهای پژوهش برای دفع این مسأله راهکارهایی از طریق فضاهای رسانه‌ای و مجازی ارائه شده است. لازم به یادآوری است که حسن اجرای راهبردهای فوق به عنوان نتایج پژوهش، نیازمند دقت در اجرای راهکارهای عملیاتی آن است که دستاورد آنها روایت تمدن‌ساز از هویت ملی به عنوان فاکتور اصلی تمدن اسلامی می‌باشد.

منابع و مؤاخذ

- اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون، (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال سوم، شماره ۵.
- بابایی، حبیب‌الله، (۱۳۹۳)، «کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، محمد، (۱۳۹۵)، «تمدن‌سازی بر بستر رسانه بررسی نقش رسانه در زمینه‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر گفتمان‌سازی و پویش فراگیر رسانه‌ای»، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.
- بریگز، ایسا، برک، پیتر، (۱۳۹۱)، «تاریخ اجتماعی رسانه؛ از گوتنبرگ تا اینترنت»، ترجمه: حسن نمک‌دوست تهرانی، تهران، همشهری.
- بهمن، شعیب، (۱۳۹۳)، «تمدن ایرانی - اسلامی از افول تا احیا»، تهران، تیسنا.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۶)، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جنکینز، تریشیا، (۱۳۹۴)، «دلقک‌ها و آدمکش‌ها»، ترجمه: امیر یزدیان، تهران، ترجمان.
- جنیدی، رضا، (۱۳۹۸)، «تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله»، مشهد، به‌نشر، چ پنجم.

- حقانی و همکاران، (۱۳۸۶)، «اسلام و ایران؛ هویت‌سازی یا هویت‌سوزی»، مندرج در: تعامل اسلام و ایران در گستره تاریخ، ج ۲، به اهتمام: هادی و کیلی، تهران، دفتر نشر معارف.
- خاکی قراملکی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «چالش‌های دین و معنویت در تمدن مدرن»، فصلنامه کلام اسلامی، دوره ۲۴، ش ۹۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، «بیانیه گام دوم انقلاب»، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
- خامنه‌ای، سیدعلی، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>
- دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۳۷)، «تاریخ تمدن»، تهران، اقبال، فرانکلین.
- دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر تاریخ تمدن»، ترجمه: خشایار دیهیمی و محمود مصاحب و احمد بطحایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه»، ج ۴، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران و روزنه.
- رحیمی، حسن، صفوی، زهرا، (۱۳۹۹)، «بیانیه گام دوم و تمدن نوین اسلامی»، دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال سیزدهم، ش ۴۴.
- روحی، نبی‌الله، (۱۳۹۲)، «چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، ش ۶۱.

- زبویار، فرهاد، (۱۳۸۶)، «کلیاتی راجع به هویت ملی و آسیب شناسی هویت ملی ایران»، مندرج در: تعامل اسلام و ایران در گستره تاریخ، ج ۱، به اهتمام: هادی وکیلی، قم، دفتر نشر معارف.
- طیبیان، سیدحمید، (۱۳۹۲)، «فرهنگ فرزنان: فارسی - عربی»، تهران، فرزنان روز.
- عمید، حسن، (۱۳۷۵)، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران، امیرکبیر.
- عیسی زاده، عباس و شرف الدین، سیدحسین، (۱۳۹۵)، «نظریه برخورد تمدن ها؛ چهارچوب مفهومی درک اسلام هراسی»، غرب شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، ش ۲.
- فاضلی، نعمت الله، (۱۳۹۳)، «تاریخ فرهنگی ایران مدرن»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فرامرزق راملکی، احد، ناسخیان، علی اکبر، (۱۳۹۸)، «قدرت انگاره»، ویراست دوم، قم، معجون.
- فرج نژاد، محمدحسین و همکاران، (۱۳۹۶)، «دین در سینمای شرق و غرب»، قم، اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه و دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- فوکوتسا، یوکیچی، (۱۳۷۹)، «نظریه تمدن»، ترجمه: چنگیز پهلوان، تهران، گیو.
- کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- گلبلک، جنیفر، (۱۳۹۶)، «تحلیل شبکه های اجتماعی»، ترجمه: اکبر طالب پور، تهران، روش شناسان.

- محمودی، محمد، کرمانی، علیرضا، (۱۳۹۷)، «ظرفیت های نظری عرفان اسلامی در تمدن سازی»، انوار معرفت، ش ۱۴.
- مرادی، حجت اله و همکاران، (۱۳۹۷)، «عملیات روانی و رسانه»، تهران، ساقی.
- مفتخری، حسین، (۱۳۹۷)، «ایران و اسلام، هویت ایرانی، میراث اسلامی»، مندرج در: مجموعه مقالات تاریخ و تمدن اسلامی، ج ۱۰ تاریخ ایران و اسلام، به کوشش: محمد حسین دانش کیا و یدالله حاجی زاده، قم، دفتر نشر معارف و دانشگاه معارف اسلامی.
- موثقی، سیداحمد، (۱۳۷۸)، «علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه های سیاسی و آرای اصلاحی سیدجمال الدین اسدآبادی»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نصر، سیدحسین، (۱۳۸۹)، «معارف اسلامی در جهان معاصر»، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، «فرهنگ و تمدن اسلامی»، قم، دفتر نشر معارف.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۹۸۸)، «اسلام و غرب، از درگیری به گفتگو»، سمینار اسلام سیاسی و غرب، قبرس، قابل بازخوانی در: نشریه پیام امروز، دیماه ۷۶، ش ۲۱.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۱)، «نظریه برخورد تمدن ها: هانتینگتون و منتقدانش»، ترجمه: مجتبی امیری وحید، تهران، وزارت امور خارجه.
- یوسفیدیس، پتروس، (۱۳۹۶)، «شبکه های اجتماعی و حوزه های عمومی»، ترجمه: جهاندار امیری، تهران، دانشگاه صدا و سیما.